

فاطمیه اول یا دوم؟ کدام معتبر است؟

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

عده ای روزهای ابتدایی نزدیک به شهادت اول را مثلاً پنج روز یا 10 روز را به برگزاری مجالس وعظ و عزاداری می پردازند و عده ای هم با توجه به شرایط خاص خود ترجیح می دهند روزهای فاطمیه دوم را انتخاب کنند و برخی هم به زنده نگه داشتن هر دو روز می پردازند.

درباره تاریخ شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) روایات مختلف است. از چهل روز تا شش ماه بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله). میان علمای شیعه، دو تاریخ مشهور و مقبول است: یکی هفتاد و پنج روز بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دیگری نود و پنج روز.

با توجه به رحلت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در بیست و هشتم صفر، بنا به روایت 75 روز، در مورخه سیزدهم تا پانزدهم جمادی الاول، شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) است و این ایام را فاطمیه اول می خوانند اما بنا به روایت 95 روز، شهادت حضرت (سلام الله علیها) در سوم تا پنجم جمادی الثانی است و این ایام را فاطمیه دوم می خوانند.

بنابراین؛ ایام فاطمیه جمعا 6 روز می باشد، 3 روز در ماه جمادی الاول و 3 روز در ماه جمادی الثانی. فاطمیه اول از 13 تا 15 جمادی الاول است و فاطمیه دوم از سوم تا پنجم جمادی الثانی است.

ظاهراً علت اینکه سه روز در هر ماه بعنوان روز شهادت آن حضرت (سلام الله علیها) معرفی شده است به این دلیل است که این احتمال وجود دارد که ماه های قمری از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا شهادت حضرت

زهره (سلام الله علیها)، 29 روز بوده باشند، حال آن که در صورت کامل بودن ماه های قبل، روز شهادت 13 جمادی الاول و یا سوم جمادی الثانی خواهد بود. چرا که طبق تقویم، حداکثر سه ماه قمری 29 روزه و حداکثر 4 ماه قمری 30 روزه می توانند پشت سر هم قرار گیرند.

اما در عرف، به دهه دوم جمادی الاول، از دهم تا بیستم جمادی الاول که بنابر قول 75روز، شهادت آن بانوی بزرگوار در آن واقع شده است دهه فاطمیه اول و به دهه اول جمادی الثانی از اول تا دهم جمادی الثانی، که طبق قول 95روز، شهادت حضرت زهره (سلام الله علیها) در آن واقع شده است، دهه فاطمیه دوم گفته می شود.

علت بروز اختلاف در روز شهادت

در مورد تعداد روزهایی که حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) پس از رحلت پدر بزرگوارشان در قید حیات بوده اند در میان کتاب های تاریخی اختلاف وجود دارد. بعضی از مورخین مثل یعقوبی این زمان را چهل روز و کسانی مثل عایشه، دختر ابی بکر، این مدت را شش ماه و گروهی دیگر هشت ماه ذکر کرده اند.

علامه مجلسی

اما در میان این اقوال، آن قولی که برای ما قابل اعتنا است روایات رسیده از ناحیه ائمه هدی (علیهم السلام) می باشد، به نقل مرحوم علامه مجلسی، مرحوم ابوالفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبین این گونه اظهار نظر کرده: مدت زمان حیات فاطمه زهره (سلام الله علیها) بعد از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) مورد اختلاف قرار گرفته است، به طوری که کمترین زمان ذکر شده در این رابطه 40 روز و بیشترین زمان هشت ماه می- باشد، اما آنچه نزد ما مسلم و مورد قبول است روایات رسیده از امام باقر (علیه السلام) است که حضرت می فرماید: «به درستی که زمان رحلت صدیقه کبری (سلام الله علیها) سه ماه بعد از رحلت پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) بود.»

طبری شیعی

همچنین مرحوم طبری شیعی در کتاب دلایل الامامه به سلسله اسناد خود روایاتی از حضرت امام صادق (علیه

السلام) نقل می کند که حضرت می فرماید: «حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) در ماه جمادی الاخر روز سه شنبه، سه روز از ماه گذشته در سال 11 هجری از دنیا رفتند.»
این دو روایت مبنای مورد اتخاذ غالب علمای شیعه من جمله سید طاووس در کتاب شریف اقبال می باشد.

کلینی

اما دسته دوم دیگری از روایات صحیحه هم این مدت را 75 روز ذکر کرده اند از جمله این روایات، روایت مرحوم کلینی از امام صادق (علیه السلام) است که حضرت می فرماید: «به درستی که توقف فاطمه (علیه السلام) در این دنیا پس از پدر گرامیش 75 روز بود.» این دسته از روایات هم مبنای نظر برخی از علمای شیعه از جمله مرحوم کلینی گردیده.

البته ممکن است دلیل اختلاف در این دو دسته از روایات صحیحه رایج نبودن نقطه گذاری بر کلمات در زمان صدور روایات باشد. توجه به شباهت «خمس و سبعون» با «خمس و تسعون» موید این معنا است.

راویان سنی چه می گویند؟

در این مجال بخشی را هم به آثار و تالیفات بزرگانی اهل سنت مانند ابن قتیبه، ابن شهر آشوب سروی، اُبی الفتح محمد بن عبدالکریم بن اُبی بکر احمد شهرستانی، ذهبی مورخ مشهور، عمر رضا کحاله از علمای معاصر اهل سنت و احمد بن یحیی معروف به «بلاذری» و ابن ابی الحدید معتزلی اختصاص دادیم تا بدانیم واقعیت شیعه از زبان سنی ها چگونه بیان شده است.

ابن قتیبه دینوری، قرن سوم هجری

ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (معروف به ابن قُتیبَة) در گذشته به سال 276 هجری، در کتاب خود بنام «الامامة والسیاسة» تحت عنوان «کَيْفَ کَانَتْ بَيْعَةُ عَلِيٍّ اَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ» (علی کرم الله وجهه چگونه بیعت کرد) با ذکر سند از عبدالله بن عبدالرحمن انصاری روایت کرده که گفت: همانا روزی ابوبکر از عده ای که از بیعت با او سرپیچی کرده و نزد علی (علیه السلام) جمع شده بودند، سراغ گرفت.
پس عمر را به دنبال آنها - که در خانه ی علی جمع شده بودند - فرستاد، پس آنها از خارج شدن از خانه خودداری

نمودند، در این هنگام عمر دستور داد که «هیزم حاضر کنید» و خطاب به اهل خانه گفت: قسم به آن کس که جان عمر در دست اوست باید خارج شوید و الا خانه را با اهلش به آتش می کشم! شخصی به عمر گفت: ای ابا حفص، آیا می دانی در این خانه فاطمه است؟! گفت: اگر چه فاطمه در خانه باشد! باز در همان کتاب جلد 1 صفحه 13 با ذکر سند آمده است: ... پس از چندی که گذشت عمر به ابوبکر گفت بیا تا نزد فاطمه (علیها السلام) برویم، چرا که ما او را به غضب درآورده ایم.

پس به اتفاق یکدیگر نزد فاطمه (علیها السلام) رفته و از او اجازه ورود گرفتند، لکن فاطمه (علیها السلام) به آنها اجازه ی ورود نداد، ناچار نزد علی (علیه السلام) آمده و با او سخن گفتند، تا آنکه آنها را بر فاطمه (علیها السلام) وارد کرد.

پس همین که آن دو نزد فاطمه (علیها السلام) نشستند، فاطمه (علیها السلام) صورت خود را به دیوار برگرداند. در این هنگام آن دو به فاطمه (علیها السلام) سلام کردند، لکن او جواب سلام آنها را نداد، لذا ابوبکر شروع به سخن کرده و گفت: ای حبیبه ی رسول خدا آیا ما در مورد ارث پیامبر و همچنین در مورد شوهرت تو را به غضب در آوردیم؟

فاطمه (علیها السلام) گفت: چه می شود تو را، که اهل و خانواده ات از تو ارث ببرند، لکن ما از محمد (صلی الله علیه و آله) ارث نبریم! سپس فرمود: آیا اگر حدیثی از پیامبر را به یاد شما بیاورم قبول می کنید، و به آن اعتقاد پیدا می کنید؟ عمر و ابوبکر گفتند: آری. پس فاطمه گفت: شما را به خدا قسم آیا از پیامبر شنیدید که می گفت: «رضایت فاطمه، رضایت من و غضب فاطمه، غضب من است. پس هر کس فاطمه دختر مرا دوست داشته باشد، همانا مرا دوست داشته و هر کس فاطمه را راضی کند مرا راضی کرده است و هر کس فاطمه را به غضب آورد، همانا مرا به غضب آورده است». عمر و ابوبکر گفتند: آری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدیم. فاطمه (علیها السلام) گفت: پس همانا من، خداوند و ملائکه را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا به سخط و غضب درآوردید و مرا راضی نکردید، و هرگاه پیامبر را ملاقات کنم از شما دو نفر به او شکایت خواهم کرد. در این هنگام، ابوبکر شروع به گریه کرد در حالی که فاطمه (سلام الله علیها) می گفت: به خدا قسم تو را در هر نمازی که بخوانم نفرین خواهم کرد.

ابن شهر آشوب سروی، قرن ششم

ابن شهر آشوب سروی (درگذشته به سال 588 هجری) در کتاب المناقب خود از کتاب المعارف ابن قتیبه دینوری در بیان ذکر اولاد فاطمه (سلام الله علیها) چنین نقل می کند؛ فرزندان فاطمه عبارتند از: حسن، حسین، زینب ام کلثوم و محسن که همانا از ضربه قنفذ کشته شد. لازم به تذکر است که در چاپ های امروزی کتاب المعارف ابن قتیبه چنین آمده است: پس علی دارای چند فرزند شد به نام های حسن، حسین، ام کلثوم و زینب کبری؛ که مادرشان فاطمه دختر رسول خدا بود، لکن محسن ابن علی در سن کودکی درگذشت!

شهرستانی؛ قرن ششم

أبی الفتح محمد بن عبدالکریم بن أبی بکر احمد شهرستانی (در گذشته سال 548 هجری) در کتاب خود بنام «الملل و النحل» می گوید: «همانا چنان ضربه ای به شکم فاطمه (علیها السلام) در روز بیعت زد که فاطمه (علیها السلام) جنین خود را از شکم انداخت».

مورخ مشهور، ذهبی؛ قرن هشتم

ذهبی مورخ مشهور (در گذشته ی سال 748 هجری) در کتاب خود بنام «لسان المیزان» با ذکر سند می گوید: «محمد بن احمد حماد کوفی» (از حافظین حدیث اهل سنت) گفته است: «بدون شک چنان لگدی به فاطمه (علیها السلام) زد که محسن از او سقط شد».

عمر رضا کحاله؛ از علمای معاصر اهل سنت

عمر رضا کحاله از علمای معاصر اهل سنت، در کتاب خود بنام «اعلام النساء» با ذکر سند میگوید: تا آنکه ابوبکر از عده ای که از بیعت با او سر باز زده و تخلف کرده بودند و نزد علی بن ابی طالب (علیه السلام) جمع شده بودند- مانند عباس و زبیر و سعد بن عبادۃ- سراغ گرفت، و در خانه فاطمه (علیها السلام) از بیعت با ابوبکر باز نشسته بودند. پس ابوبکر، عمر بن الخطاب را بسوی آنان فرستاد. عمر روانه منزل فاطمه (علیها السلام) شده و فریاد کشید و آنان را به خارج از خانه جهت بیعت فراخواند. آنان از بیرون آمدن خودداری کردند، در این هنگام عمر هیزم طلبیده و گفت: قسم به آن کس که جان عمر در دست اوست یا از خانه خارج می شوید و یا آنکه خانه را با اهلش به آتش می کشم. شخصی به عمر گفت: ای ابا حفص (کنیه عمر)، در این خانه فاطمه (علیها السلام) است! عمر گفت: اگر چه فاطمه در این خانه باشد، آن را به آتش می کشم!

یعقوبی

یعقوبی در تاریخ خود نقل می کند: زمانی که ابوبکر مریض شد، یعنی در همان مرضی که مرد، عبدالرحمن بن

عوف به عیادت او رفته و از او پرسید: ای خلیفه پیامبر حالت چگونه است؟ ابوبکر گفت: همانا من بر هیچ چیز تأسف نمی خورم مگر بر سه چیز که انجام دادم و ای کاش انجام نداده بودم...اما آن سه چیز که انجام دادم و ای کاش انجام نداده بودم: ای کاش قلاده خلافت را به گردن نینداخته بودم...ای کاش خانه فاطمه را تفتیش نکرده و مورد هجوم آن عده قرار نداده بودم، اگر چه با من اعلان جنگ می کردند.

بلاذری؛ قرن سوم

احمد بن یحیی معروف به «بلاذری» در گذشته سال 279 هجری در کتاب خود بنام «انساب الاشراف» می گوید: ابوبکر برای بیعت گرفتن از علی (علیه السلام)، به دنبال وی فرستاد، پس علی (علیه السلام) بیعت نکرد. در این هنگام عمر با شعله ای آتش روانه خانه علی (علیه السلام) شد. فاطمه (علیها السلام) در پشت درب با او مواجه شده و گفت: ای پسر خطاب آیا تو را در حال آتش زدن خانه ام می بینم؟ عمر گفت: آری! و آن چنان به این عمل مُصر و محکم هستم، چنانکه پدرت بر دینی که آورده بود محکم بود.

بلاذری در همان کتاب، صفحه 587، حدیث شماره ی 1188 از ابن عباس روایت می کند: زمانی که علی از بیعت خودداری نمود و در خانه کناره گیری کرده بود، ابوبکر عمر را به سوی علی فرستاد و به وی دستور داد علی را با بدترین صورت نزد من حاضر کن! پس چون عمر نزد علی آمد، بین آن دو سخنانی رد و بدل شد. علی گفت: ای عمر بدوش که نیمی از آن مال توست، به خدا قسم آنچه امروز تو را چنین بر امارت و حکومت ابوبکر حریص کرده چیزی نیست جز آنکه فردا حکومت را به تو بسپارد!

ابن ابی الحدید

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح خود می گوید: اگر گفته شود که خانه فاطمه مورد هجوم واقع شد، و صیانتش شکسته شد بخاطر حفظ نظام اسلام و بخاطر جلوگیری از تفرقه مسلمانان، چرا که مسلمانان آن زمان از دین برمی گشتند و دست از اطاعت بر می داشتند، در جواب گفته می شود که: همین کلام و جواب را بدهید آنجا که در جنگ جمل هودج عایشه مورد هتک واقع شد (چرا که عایشه بر علیه خلیفه رسمی مسلمانان قیام کرده) و هودج او مورد حمله قرار گرفت تا آنکه ریسمان اطاعت پاره نشود و اجتماع مسلمین از هم نپاشد و خون مسلمانان به هدر نرود. پس وقتی که جائز باشد حمله به خانه فاطمه بخاطر امری که هنوز واقع نشده بود، بدون شک جائز است حمله به هودج عایشه به خاطر امری که واقع شده بود.

ابن عبد ربّه

شهاب الدین احمد معروف به ابن عبد ربّه اندلسی در کتاب «العقد الفرید» چنین می نویسد: علی و عباس و زبیر در خانه فاطمه نشسته بودند تا اینکه ابوبکر، عمر را فرستاد تا آنان را از خانه فاطمه بیرون کند، و به او گفت اگر بیرون نیامدند با آنان نبرد کن. عمر ابن خطاب با مقداری آتش به سوی خانه فاطمه رهسپار شد تا خانه را به آتش بکشد.

در این هنگام فاطمه با او روبرو شد و گفت: ای فرزند خطاب آمده ای خانه ما را بسوزانی! عمر گفت: بلی، مگر اینکه شما نیز آن کنید که امت کردند (بیعت با ابوبکر).

نظر آیت الله صافی گلپایگانی

اخیرا در استفتائی در مورد ایام عزاداری شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) از آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی سؤال شده است؛ با توجه به معلوم نبودن دقیق تاریخ شهادت حضرت فاطمه زهرا دختر گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، بهترین ایام جهت عزاداری برای آن حضرت چه روزهایی است؟

شهادت عظمی چیست؟

آیت الله صافی در پاسخ به این استفتاء اظهار داشته است که نسبت به روز شهادت حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (سلام الله علیها) قولهای مختلفی ذکر شده، لکن آنچه بیشتر مورد توجه علماء واقع شده است فاطمیه اول و فاطمیه دوم در ماه جمادی الاول و جمادی الثانی است. شایسته است که شیعیان از روز سیزدهم جمادی الاول تا سوم جمادی الثانی سوگوار و با انجام مراسم عزاداری آن حضرت، ارادت و مودت خود را به اهل بیت اظهار و از انجام مراسمی که موجب وهن مراسم شهادت آن حضرت است اجتناب کنند.

این مرجع تقلید بهترین عزاداری حضرت زهرا (سلام الله علیها) را بیان فضائل، مناقب و مصائب آن حضرت و ذکر اخلاق و سیره عملی و دفاع ایشان از امام مظلوم حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می داند که در همه اعصار باید برای مردم تبیین شود و می فرماید؛ ان شاء الله تعالی مؤمنان با تمسک به قرآن و عترت به بهترین صورت ممکن به ساحت مقدس آن بزرگوار عرض ادب و اخلاص کنند، به ویژه بانوان متدینه با حفظ حجاب و عفت و پاکدامنی، ایشان را الگوی خود قرار دهند.

حساسیت ها

گاهی اوقات اگر به احتمالات و پاسخ هایی که ممکن است پرسش های ما داشته باشند فکر کنیم و ثمره آنها را مورد ارزیابی قرار دهیم قبل از مطرح کردن آنها، از طرح این نوع پرسش ها منصرف می شویم. پرسش هایی هم که درباره تعداد روزهای ایام فاطمیه و سوالاتی از این قبیل مطرح می شود، نیز جزء مواردی هستند که ثمره ای در پاسخ دادن به آنها حاصل نمی شود.

حال فرض بفرمایید که با دلائل متقن اثبات شود که مثلاً فلان روز، سالروز شهادت حضرت فاطمه سلام- الله علیها می باشد، باز هم خللی در حرکت های فرهنگی مراکز دینی ایجاد نمی شود، زیرا زمینه به وجود آمدن روزهایی به عنوان ایام فاطمیه، به خاطر زنده نگهداشتن فرهنگ فاطمی بوده و مجالس گوناگون مذهبی هم به فراخور امکانات و شرایط مخصوص به خود بین این دو تاریخ معتبر که از روایات صحیح استفاده می شود؛ عده ای روزه های ابتدایی نزدیک به شهادت اول را مثلاً پنج روز یا 10 روز را به برگزاری مجالس وعظ و عزاداری می پردازند و عده ای هم با توجه به شرایط خاص خود ترجیح می دهند روزه های فاطمیه دوم را انتخاب کنند و برخی هم به زنده نگهداشتن هر دو روز می پردازند.

پس کسانی که به زنده نگه داشتن ایام فاطمیه اول و دوم می پردازند چنین دغدغه ای ندارند که مثلاً 20 روز برای حضرت عزاداری کنند یا کمتر یا بیشتر، بلکه هدف از تشکیل چنین مجالسی فهم و نشر فرهنگ فاطمی می باشد که این موضوع اختصاص به ایام فاطمیه اول یا دوم ندارد و ما باید به امید روزهایی تلاش کنیم که همه ایام ما «علوی»، «فاطمی»، «حسینی» شوند.

از آنجایی که مبنای عمل مسلمانان بر اساس معارف و دستورات قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان او از خاندانش می باشد، بنابراین قول، عمل و تقریر پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)، دلیل شرعی در اثبات جواز یک عمل می باشد. به عبارت دیگر یکی از راههای اثبات جواز عمل به یک کار می تواند عمل کردن یکی از معصومین (علیهم السلام) به آن باشد زیرا در منابع اسلامی عمل کردن به سیره و روش معصوم که از جانب خداوند منصوب شده است حجیت دارد. به طوری که در مورد پیامبر گرامی اسلام در قرآن آمده که ایشان اسوه حسنه، برای بشریت هستند و لذا تمسک به سیره ایشان و جانشینانش روش حسن می باشد. در کتاب ریاحین الشریعه در مورد سیره حضرت امام باقر (علیه السلام) آمده که هرگاه تب بر حضرت غلبه می کرد، آب سرد بر خود می ریخت، و با صدای بلند به طوری که هرکس در خانه بود، صدای آن حضرت را می شنید، می فرمود: یا فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله).